

داستان در زمان های دور و در کشوری نامعلوم می گذرد. راوی داستان، ظاهرا پژوهشگری تاریخی است که با کشف و سندخوانی خود، ماجرا را برای خواننده روایت می کند. مطابق این تحقیق، در سالیانی دور، پادشاهی که در آستانه مرگ قرار دارد وصیت می کند هر ۲۵ فرزند او در مقاطع دوساله به ترتیب پس از مرگ او بر تخت شاهی بنشینند، اما نه به ترتیب سن

بلکه به رأی مردم. هر یک از فرزندان در دوره سلطنت خود ظلم های فراوانی به مردم می کنند و مردم هر بار، رنجیده از یکی به دیگری پناه می برند اما صورت مسأله تغییر نمی کند.

- نویسنده: سید مهدی شجاعی
- انتشارات: کتاب نیستان
- قیمت: ۵۱ هزار تومان



- نویسنده: سید علیرضا مهرداد
- انتشارات: انقلاب اسلامی
- قیمت: ۷۰ هزار تومان

این کتاب، روایت حضور جهادی آیتا... خامنه ای (مدظله العالی) در زلزله فردوس سال ۱۳۴۷ است. همزمان با پنجاه و چهارمین سالگرد زلزله فردوس و حضور جهادی ایشان در این منطقه، این کتاب به زیور طبع آراسته شده و در ۲۴۰ صفحه در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است. گفتنی است، رهبر معظم انقلاب به عنوان یک روحانی مردمی و دغدغه مند، پس از اطلاع از وقوع زلزله فردوس به این شهرستان سفر کردند و طی حضوری دو ماهه در این شهر، ضمن جمع آوری کمک های مردمی، پایگاه امداد روحانیت را ایجاد کردند و اقدامات مهمی را در خدمت رسانی به مردم زلزله زده فردوس سامان دادند.



چاپ دوم

«سکولاریسم؛ از ظهور تا سقوط» دوباره آمد

چاپ دوم کتاب «سکولاریسم؛ از ظهور تا سقوط» در ۴۳۵ صفحه با ترجمه سیدرحیم راستی تبار، سیدمحمدحسین صالحی و رحمتا... رضایی توسط پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه در ۴۳۵ صفحه منتشر شد.

آنچه در این مجموعه مقالات گردآمده، توصیفی از چیستی سکولاریسم و وضعیت سکولاریزاسیون در دنیای معاصر است تا در یک گام پیشینه معنایی، ریشه های اجتماعی و اصول سکولاریسم و همین طور فرآیند تاریخی، شاخص ها و مظاهر سکولاریزاسیون در غرب را معلوم کرده و در گامی دیگر ماهیت سکولاریسم و فرآیند سکولاریزاسیون در دنیای اسلام را روشن نماید.



معرفی نوجوانانه

مثل ها و قصه ها

گفت: «بیا پشت من سوار شو تا زودتر به مقصد برسیم.» تو مسیر یه رودخونه بود، درحالی که عقرب سوار بر لاک پشت بود و لاک پشت شناکان در حال گذشتن از رودخانه بود. عقرب از شدت خوشحالی به دفعه دلش خواست جایی رو نیش بزنه، به لاک پشت گفت: کجای بدنت رو نیش بزمن؟ لاک پشت بهش گفت: «نیش تو زهر آلوده! نباید این کارو بکنی...» عقرب گفت: «آخه نمی تونم خودم رو کنترل کنم...» لاک پشت گفت: «لاک من رو می تونی نیش بزنی.» اما هر چه تلاش کرد نتونست این کار رو بکنه، چون لاک لاک پشت خیلی سفت و محکم بود. لاک پشت گفت این لاک سنگی وسیله دفاعی من پیش دشمنان و دوستانی مثل توست که از دشمن بدترند. بعد لاک پشت گفت: «من خیلی خوشحالم که لاک سنگی به این خوبی و محکمی دارم. دلم می خواد کمی تو آب دست و پا بزنی و برقضم.»

عقرب تا اومد بگه این کار و نکن، من می افتم غرق می شم... دیگه کار از کار گذشته بود و افتاد تو آب و غرق شد. از آن به بعد درباره کسی که با کارهای بدش باعث آزار و اذیت دیگران شود و متوجه زشت بودن کارهایش نباشد، می گویند: «نیش عقرب نه از ره کین است.» سری کتاب های مثل ها و قصه ها توسط انتشارات محراب قلم منتشر شده است.



ملینا گیوهکی

۹ ساله

مصطفی رحماندوست، از بهترین نویسندگان و شاعران کشور ما در حوزه کودک و نوجوان است. یکی از کتاب های او، کتاب «مثل ها و قصه ها» است که در چهار جلد شامل: قصه های بهار، تابستان، پاییز و زمستان به تصویرگری خانم رودابه خائف نوشته شده است.

مثل ها در ادبیات فارسی، جایگاه بسیار ویژه و بارزشی دارند. هر مثل، قصه شیرینی دارد که باعث استفاده ما از تجارب گذشتگان و سفر به تاریخ می شود. با مثل ها می توانیم ریشه برخی اتفاقات تاریخی را متوجه شویم. خیلی وقت ها ما مثلی را از بزرگ ترها می شنویم که برای ما جالب است و دوست داریم بدانیم ماجرای این ضرب المثل چیست. این مجموعه کتاب به ما کمک می کند در این زمینه اطلاعات کاملی به دست بیاوریم.

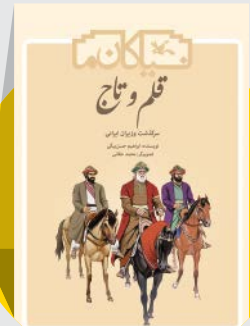
در ادامه یکی از مثل های کتاب قصه های بهار نوشته مصطفی رحماندوست را با هم می خوانیم. در یک روزگاری، به لاک پشت و عقرب توبه برکه ای با هم دوست شده بودند. از قضا برکه خشک شد و اونا تصمیم گرفتند به یه جای خوش آب و هوا برن. تو راه عقرب خسته شد. لاک پشت بهش

نقد نوجوانانه

نگاهی گذرا بر کتاب «قلم و تاج» نوشته ابراهیم حسن بیگی

نیاکان ما

نماید. حرفی که بعدا به صورت ضرب المثل استفاده شده است. در زمان حکومت اسلامی، دیوانی به نام دیوان «خراج» وجود دارد که ما امروزه به نام «وزارت دارایی» می شناسیمش. کار این دیوان گرفتن مالیات از مردم بود. بعدها دیوان هایی همانند دیوان «برید» که ما به نام «اداره پست» می شناسیمش هم به وجود آمد. کار این دیوان، بردن نامه های حکومتی به شهرها و کشورهای اطراف بود. یا دیوان «چیش» که به کارهای سربازها و لشکریان رسیدگی می کرد. دیوان «رسائل» گروهی از دبیران یا نویسندگان بودند که وظیفه نوشتن نامه ها را داشتند. نامه ها هم به دست دیوان بریدرسیده و به شهرها و کشورهای اطراف فرستاده می شد. بعد از زمان کمی از روی کار آمدن حکومت عباسیان، سلسله هایی همانند آل بویه، سامانیان، طاهریان، زیاریان و صفاریان تشکیل شد که وزیران خود را از بین دانشمندان ایرانی انتخاب می کردند، مثل ابوعلی سینا، که وزیر یکی از حکمرانان آل بویه شد. یا مثلا صاحب بن عباد، وی دانشمندی بسیار دانا بود که برای جابه جاکردن کتابخانه اش به کاروانی با ۴۰۰ شتر نیاز داشت. ابن عمید، وزیر دیگر آل بویه بود که دو تا از اختراعاتش خیلی خاص است؛ بالابری بود که می توانست وزن بسیاری را تحمل کند. این سازه، در آن زمان برای ساخت کاخ ها استفاده می شد. یا منجنیق هایی که می توانست سنگ هایی بسیار بزرگ را به سمت دشمن پرتاب کند. این مطالب را من از کتاب «قلم و تاج» فهیمه ام؛ کتاب سرگذشت وزیران ایرانی؛ کتابی که نوشته ابراهیم حسن بیگی است. این کتاب مصور است، یعنی تصاویر زیبایی برای فهم بیشتر مطالب در آن استفاده شده است. قلم و تاج را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرده است.



ارمیا مرادیان

۱۰ ساله

وزیران دانشمند زیادی در دربار بودند. شاید بشود گفت بهترین وزیر، متعلق به دوران ساسانیان (ایران شهر) بوده؛ کسی که در زمان خود بسیار مورد توجه بوده و امروزه از او به عنوان یک دانشمند بزرگ یاد می شود. بزرگمهر، وزیر اعظم انوشیروان، همان دانشمند بزرگی است که من از او صحبت می کنم. او امروزه برای نصیحتی معروف شده که شاید همه ما آن را شنیده ایم: «سحرخیز باش تا کامروا شوی». البته که انوشیروان، پادشاه ساسانی، اول از این نصیحت خوشش نیامد، ولی بعدها فهمید که این نصیحت به دردش می خورد. در دوران ساسانیان، بعد از شاه، وزیر اعظم بالاترین مقام را داشت زیرا باید علم و دانش فراوانی می داشتند، مثل بزرگمهر. اما در آن دوران وزیری باهوش، مقتدر و بزرگی مثل بزرگمهر کم پیدا می شد. در حکومت ساسانی فقط شاهزادگان، فرزندان دبیرها و روحانیان زرتشتی می توانستند خواندن و نوشتن بیاموزند. نوه انوشیروان، یعنی خسرو پرویز، پس از به حکومت رسیدن، به مصر حمله می کند و آنجا را تصاحب می کند. مصری ها گنج های خود را برای نجات دادن از ارتش خسرو پرویز، در قایقی بادی سوار می کنند و به دریا می اندازند.

بعد از این که ارتش خسرو پرویز به صورت کامل مصر را تصاحب کردند، دیدند قایقی بادی پر از طلا و جواهرات به گل نشست.

آن همان قایقی بود که مصریان برای نجات دادن گنج های خود به دریا انداخته بودند، ولی این قایق به خاطر باد به ساحل برگشت؛ پس خسرو پرویز آن گنج را «گنج باد آورده»